



۱۲/۰۶/۲۰۱۷



انجنیر عبدالصبور صافی

## عدالتخواهی و تحسن، انتحار و مراسم تدفین بازی پشت بازی

با وجود اینکه توافق کلی در تعریف عدالت اجتماعی وجود ندارد طراحی و اجرای نظام حقوقی به گونه‌ای که هرکس به حق عقلانی اش برسد و در مقابل آن حقوق و وظایفی را انجام دهد یا مسئولیت و عواقب تخلف از آن را بپذیرد عدالت اجتماعی گفته میشود، عدالت در اصطلاح فقهی صفت کسی است که گناه کبیره نکند برگناه صغیره اصرار نرزد و در لغت به معنی انصاف، تساوی، مساوات، درستی و حقانیت است، از نظر اسلام عدالت اجتماعی نیز از جایگاه والای برخوردار است فیلسوفان سیاسی مسلمان از جمله فارانی، ابن سینا بلخی و خواجه نصیرالدین طوسی عدالت اجتماعی را مورد توجه خاص قرار داده اند چنانچه خواجه نصیرالدین طوسی در مورد عدالت میگوید:

«عدالت آن است که هر صنفی از جایگاه مستحق خود منحرف نشده و به دنبال غلبه بر صنوف دیگر نباشد چون این امر منجر به انحراف مزاج از اعتدال و منجر شدن امور اجتماعی به فساد میشود».

در اندیشه افلاطون در سطح اجتماعی نیز عدالت به مفهوم تناسب و قرار گرفتن افراد جامعه در طبقات خاص خود است. وی جامعه را متشکل از سه طبقه فرمانروایان، نگهبانان و توده مردم می دانست. از نظر وی عدالت اجتماعی قرار گرفتن هر فرد در طبقه خاص خود و برخوردار گردیدن وی از امتیازات طبقه خاص خود و نیز ایفای نقش مخصوص خود می باشد. بنابراین عدالت اجتماعی در این برداشت به مفهوم تناسب و موزونیت و قرار گرفتن در جایگاه خاص خود است. عالم فرانسوی «باتیفون» میگوید: «نظم جابرانه نظم نیست بلکه بی نظمی است» نظم که در آن هدف تأمین عدالت نباشد، زور و ظلم پایه و اساس آنرا تشکیل دهد بقا ندارد و به مفهوم واقعی کلمه بی نظمی است.

بسیاری از جوامع و کشورهای هستند که حرف از حقوق بشر و عدالت اجتماعی میزنند ولی این حرف هاصرف روپوش برای جنایات ضدبشری که به شیوه های مختلف و بااستفاده از تکنالوی مدرن بر علیه کشورها و حتی اتباع خود شان در داخل انجام میشود؛ چیز بیش نیست، در جامعه افغانی مسئله حق و عدالت اجتماعی در ادوار مختلف به شکل از اشکال در دست شخصیت ها و گروه ها گروگان بوده که تا اکنون هم توده های وسیعی مردم از عدم وجود آن رنج میبرند، اکثر روشنفکران اختلاف و نفاق ملی را مانع عمده در راه ایجاد ملت واحد افغان، توسعه سیاسی و گسترش علایق ملی میدانند و معتقداند تا زمانیکه نخبگان سیاسی جامعه از دلیستگیهای نژادی، قومی و مذهبی؛ فراقومی، فرا مذهبی سیاسی نه اندیشند و در تحقق عدالت اجتماعی اولین گام ها را از اصلاح خود و خانواده خود برندارند؛ چطور میتوانند جامعه را که اکثریت آن را بی سوادان تشکیل میدهد اصلاح و در آن عدالت اجتماعی برقرار کرد، عدالت اجتماعی را نمیتوان با توطئه، دسیسه و سوی استفاده از ناخشنودی های مردم که از اتفاقات ناگوار تروریستی رنج میبرند بدست

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

آورد یا تأمین کرد، بلکه چنین حرکات جامعه را بیشتر به طرف حرج و مرج سوق میدهد. با کمال تأسف که بسیاری از هموطنان ما امروز هم بالای کسانی باورمند اند که آنها کارنامه جزخونریزی و جنایت، چور و چپاول هیچ نوع احساس بشری و عدالت خواهی در روند زندگی سیاسی خود نداشته و ندارند و به شکل از اشکال با کشورهای همسایه وابسته اند، این مشکل سبب شده است که دولت ها نتوانند باوجود که میخواهند به صلح و ثبات و عدالت اجتماعی برسند اما از طرف حلقه های معین ولابی های مافیایی قدرت و سرمایه به مشکل برمیخورند و نمیتوانند در تأمین عدالت از معیار های همسان استفاده معقول نمایند که این عامل سبب بوجود آمدن نارضایتی های مدنی و اجتماعی میشود.

### **چه کسانی در افغانستان داد از عدالت خواهی میزنند:**

یکی از مشکل اساسی در جامعه افغانی برای نام کشیدن یا مشهور شدن و امتیازات بدست آوردن، بحران آفرینی زیر نام عدالت خواهی و انصاف است، این شیوه را نمیتوان عدالت خواهی نامید، بحران پیشامدی است که بصورت ناگهانی و گاهی فزاینده رخ می دهد و به وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای فرد، گروه و یا جامعه می انجامد حال فرق نمیکند که این بحران سیاسی باشد یا اعتمادی، اقتصادی باشد یا نظامی و طبیعی در هر صورت بحران باعث بوجود آمدن شرایطی می شود که برای برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق العاده بوجود میاید که بر حسب نوع و شدت متفاوتند. بحران یک فشار آوری بزرگ و بخصوص است که باعث در هم شکسته شدن انگاره های متعارف و عکس العمل های گسترده میشود و آسیب ها، تهدیدها، خطر ها و نیاز های تازه ای به وجود می آورد که آنها باید با حوصله مندی، خرد گرایی و تعقل مدیریت کرد.

طرق پیش بینی و پیش گیری از وقوع بحران، برخورد و مداخله در بحران و سالم سازی بعد از وقوع بحران را مدیریت بحران گویند، که به وسیله مشاهده سیستماتیک، بحران هارا تجزیه و تحلیل نموده و در جستجوی یافتن ابزاری میشوند که بوسیله آنها بتوان از بروز بحران ها، پیش گیری نمود و یا در صورت بروز بحران، برای کاهش اثرات آن با امداد رسانی سریع جهت بهبودی اوضاع اقدام کرد، زمانیکه یک عده سیاسیون در موجودیت یک بحران در کشور، بحران تازه ای را جهت امتیاز طلبی و مقاصد سیاسی با استفاده از فضای به وجود آمده، خود می آفرینند یعنی دولت را از انگشت افکار گرفتن، فاجعه بیش از این برای یک ملت چه میتواند باشد!

مشکلات اساسی در جامعه افغانی اینست که گروه های خاص که در عرصه های اجتماعی و سیاسی از آزمون های روزگار گذر کرده و کارنامه های رکتبار از خود بجا گذاشته اند ولی نظریه شرایط هنوز هم شامل دولت و یا منحیت اپوزیسیون تکیه زده اند به شکل از اشکال جهت امتیاز گیری بحران آفرینی میکنند تا قدرت از دست رفته را دوباره احیا و یا اینکه از دست ندهند، بنأ این گروه ها نه در صدد مشکل زدایی اند و نه در غم عدالت خواهی فقد میخواهند به اهداف سیاسی خود دست یابند زین رومشکل آفرینی و سبوتاژ و ظیفوی را شیوه موثر برای رسیدن به اهداف خود می دانند، یک مثال زنده آن سوی استفاده از حادثه چاراهی زنبق است که بتاريخ ۱۰ جوزا سال روان به وقوع پیوست شرایط ایجاب میکرد که همه گروه و مردم بدور رهبری دولت منسجم شوند و منیحت یک مشت واحد و کوبنده بردهن تمویل کنندگان و حمایت کنندگان تروریستان ضربه محکم بزنند بر عکس نتها اینکه ارزش و احساسات جوانان را پامال کردند بلکه بحران دیگری آفریند که باعث شد تا تظاهرات از طرف این یک عده اوباشان و مزدوران غیر، به بی راهه کشیده شود و

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

تراژدی جدیدی را ببار آورد که به کشته شدن ۷ تن و زخمی شدن ۴۰ تن از هموطنان بی گناه ما گردید، جالب آنکه یک‌دهه سیاسیون شامل در این قضیه به بیراهه کشیدن این تظاهرات را می‌پذیرند ولی منحیت یک افراد مسئول و کارمند دولت بر علیه دولت تبلیغات سو مینمایند، در این جا سؤال پیش می آید، چرا آنهائیکه برخلاف دولت اند اول از کرسی ها و مقام خود استعفا نمی دهند و بعد از عملکرد دولت انتقاد بعمل آورند، با تأسف که باز هم با بی شرمی تمام پشت کرسی دولتی می نشینند و فرمان روائی میکنند، چطور ممکن است که یک شخص هم عضو دولت باشد و هم رول اپوزیسیون را ادا کند، که از جمله میتوان آقای عطامحمد نور و صلاح الدین ربانی را نام برد آقای ربانی منیحت وزیر خارجه با سفله گی تمام جلسۀ «پروسه کابل» را تحریم کرد حال با چه روی باز هم به وزارت خارجه بر میگردد شاید هم برای معاش گرفتن، یا از دست ندادن امتیاز باشد! لازم است که شورای وزیران در مورد این تخطی ها رسیدگی نماید.

### عوامل بدتر شدن اوضاع امنیتی چه میتواند باشد؟

چار عامل عمده را میتوان در این خصوص یاد آوری کرد:

- ۱- عامل خارجی قضیه که شامل کشورهای همسایه و فرا منطقه میشود که در پی بی ثباتی و تشدید جنگ در کشور بوده و با استفاده از این شیوه خواهان تحقق منافع خود در منطقه و فرا منطقه اند، حال کشور هائیکه این خطر را حس کرده اند دست زیرالاشه نخواهند نشست و این افغانستان است که تاوان آنرا می پردازد.
- ۲- نیاید همه چیز را بالای خارجیها بار کرد به کمی و کاستی های خود هم توجه داشت نفاق بین افغانها، بحران آفرینی و درد سر ایجاد کردن در شرایط کنونی برای دولت، این شیوه یکی از خواست های شبکه های استخباراتی کشورهای خارجی به شمول کشورهای همسایه چیزی بیش نیست! متأسفانه یک‌دهه احزاب و سیاسیون ما خواسته و یا ناخواسته در خدمت این شبکه ها قرار گرفته اند این ضعف هموطنان یک عامل فوق العاده موثر در تشدید ناامنی در کشور شده است ولی هنوز هم با لجاجت به همین راه به پیش میرویم.
- ۳- بی کفایتی مسولین دولتی در تعیین و جابجا کردن کادرهای ورزیده، مسلکی، وطن دوست و کارفهم، وقتی حرف از تقرر و تبدل میزنیم فوراً نظر ما را بافت های درونی و ساختار سیاسی شامل در نظام جلب میکند که سنگ تهداب غلط و فاقد اصول حکومتداری خوب از کنفرانس بن اول در کشور ما گذاشته شد و آقای کرزی نیز روی این تهداب دیوار محکم تر اعمار کردند و سیستم اداری و اجرایی دولت را بدست افراد نااهل بی سواد و جاهل سپردند، زیرسایه ای آقای کرزی رتب جنرالی به شاخی باد شد رشوت و اختلاص و چور از کمک های باد آورده جنگسالاران را چنان به چوکی و مقام وابسته کرد که اکنون باشور دادن هر مهره سروصدا های حمایت گران آن بالا میشود که گویا دولت درصدد حذف مجاهدین از قدرت قرار دارد در حالیکه ۸۰٪ قدرت دولتی در مرکز ولایات همین اکنون در دست مجاهدین قرار دارد اما آنرا ناچیز میدانند، ولی وقتی امنیت خراب میشود و مشکل اقتصادی بروز میکند باز از همه اولتر همین گروه ها از پارلمان شروع تا هر گوشه و کنار سروصدا براه میاندازند که گویا دولت در تأمین امنیت و زودن فقر و بیکاری ناتوان است، داکتر اشرف غنی طی این دو نیم سال نتوانسته است که در ارگان های امنیتی به صورت قطع تغییر کیفی بیاورد و این را انکار هم نمیکند، در وزارت دفاع و داخله صرف تغییر و تبدل همان مهره های بجا مانده از قسیم فهیم قانونی و بسم الله محمدی بوده که از یک کرسی به کرسی دیگر نقل مکان داده شده اند و بس.

د پانیو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

● ۴- عدم مسئولیت پذیری، غفلت وظیفوی، طرزاجراً وظایف و شیوه اجرای آن مشکل دیگر است در خرابی امنیت کشور، تمام افراد شامل در ارگان های دولتی اعم از ملکی و نظامی وظیفه محوله را به صورت درست با صداقت و راستکاری و ایماندارای قسمی که لازم است انجام دهند؛ نمی دهند، اگر هر فرد ولو که وظیفه کوچک هم داشته باشد و آنرا به وقت و زمانش با صداقت و دلسوزی قسمی که لازم است انجام ندهد در این صورت عواقب بدبختی ناشی از آنرا هم باید تحمل کند صرف دولت را مقصر نداند بلکه انگشت انتقاد را طرف خود هم بگیرد که چرا چنین نقیصه وجود دارد، هدف از این حرف دفاع از مسئولین دولتی نیست بلکه اصول پذیرفته شده چنین ایجاب میکند و در تمام جوامع که امنیت و صلح موجود است فرد فرد آن به این اصول پایند اند.

بر علاوه اینکه میدانیم امنیت در شهرها فاکتورهای مختلف داخلی و خارجی دارد ولی ما صرف روی فاکتور داخلی آن که خیلی هاعمه است تکیه میکنیم، آوردن امنیت کار یک فرد وزیر، قومندان و یا مشاور امنیت ملی نیست اما از رول تعیین کننده و سازماندهی آن نمیتوان انکار کرد، یک فرد اگر آتش پرچه هم باشد باز هم یک فرد است و بس، فرد فرد کشور باید در این راه فدا کار و احساس مسئولیت نمایند تمام احزاب سیاسی باید به اعضای خود این مسئولیت را بیاموزانند، معلمین باید به شاگردان چنین اخلاق را تدریس کنند، بدبختی این است که همین گروه های که بحران آفرینی میکنند همین گروه در طرز اجرای امور امنیتی نیز کارشکنی میکنند مواد انفجاری و سلاح ها از آسمان نمی آید پس چه طور بداخل کابل آورده میشوند؟

مسلماً که همین آقایون با موترهای کروزین و شیشه سیاه با امتیازات دولتی که حاضر نیستند موتر های شان در چک پوست ها مورد تلاشی قرار گیرد در حقیقت در خدمت تروریستان قرار دارند، همین آقایون حاضر نیستند که پولیس تلاشی از ایشان سؤال کند حتی طرف موترشان چپ سیل کرده نمی تواند مگر همه ملت شاهد لت و کوب پولیس و ترافیک توسط همین جنگسالاران نیستند! نمونه های زیاد از این قبیل برخوردها موجود است که همه هموطنان از آن آگاهی دارند پس اصلاح را باید اولتر از همه از خود شروع کنند و بعد انگشت اتهام به طرف دیگران بگیرند.

### یک تیرو دونشان:

دشمن توانست بعد از عملیات چاراهی زنبق موفقیت بزرگ خود را جشن برپا کند چون نتها با این انتحارتلفات زیادی را به همشهریان ما وارد کرد بلکه دولت را به بحران جدی سیاسی و بحران اعتماد مواجه کرد، ناگفته نباید گذاشت که این بحران اعتماد میتواند روحیه سربازمارا فوق العاده بشکند، واقعاً استخبارات منطقه چقدر ذیرک و فعال عمل میکند و آفرین به این گروه های مزدور داخل کشور ما که چطور صادقانه در خدمت این سازمانهای جاسوسی کشور های بیگانه چه آگاهانه و چه نا آگاهانه قرار گرفتند و پرافتخار خدمت میکنند، فکر میکنند که برای عدالت خواهی مبارزه دارند در حالیکه آله ای بازی استخبارات کشور همسایه شده اند، استخبارات کشور همسایه توانست هم ایجاد ترس و وحشت کند و هم کارایی دولت را بامهارت خاص زیر سؤال قرار دهد، دشمنان جنگ را در کشور ما در سه استقامت اساسی ذیل با بسیار مهارت خاص به پیش ببرند.

● ۱- در عرصه نظامی : که شامل حملات بالای پوسته ها، شهرها، قصبات، ترورها ، انتحار ها، غیره و غیره میشود.

● ۲- در عرصه فرهنگی: مروج کردن اصطلاحات نامأنوس، ایجاد مراکز فرهنگی توأم با تبلیغات زهر آگین، ایجاد کتابخانه ها ارسال کتاب های گون ناگون فرهنگی دینی و خرافاتی ، فلم ها و غیره که میتواند جوانان را زیر تاثیر قرار دهد، ملت که فرهنگ اش را از دست بدهد دیگر وجود

ندارد و اینها مارا به طرف نابودی می کشانند وزارت اطلاعات و فرهنگ شنیده است که آزادی بیان است ولی خبرنگارانند که این آزادی چوکات و حدود معین هم دارد هرکس درصدد حفظ مقام و چوکی خود است.

● ۳- در عرصه سیاسی: یک جبهه جدید که در این اوآخرکار آن در افغانستان رونق بیشتر گرفته گرچه تهداب آن از وقت گذاشته شده بود ولی اکنون همان مبارزه فرهنگی این کشورهاست که ذهنیت ها را چنان مسموم بسازند و کنترل آنها بدست بگیرند که هنوز هم غیرقابل پیش بینی است، البته این بخشها با شبکه های استخباراتی این کشور رابطه مستقیم دارد، این کشورها میخواهد با استفاده از راه پیمایی ها تظاهرات، اعتصاب ها و تحصن ها بحران اعتماد را بوجود آورند دولت را ناکاره جلوه داده مصروف نگه دارند تا از یک طرف پلان ها خود را به پیش ببرند و از طرف دیگر قبردولت را بکنند.

● ۴- در عرصه استخباراتی: همه عرصه های فوق تحت نظر این ارگان فعالیت میکند این شبکه با استفاده از شرایط زمان و مکان شعارها و رهکار های را پیشکش میکند که این شعارها و رهکارها ذهنیت های جوانان را از واقعیت های عینی موجود در جامعه منحرف ساخته و همه دستاورد های دولت را ضرب صفر میکنند.

با یک نگاه سطحی میتوان دریافت که استخبارات منطقه آنقدر فعال است که اصلاً ارگان امنیت ملی کشور در برابرشان مانند طفل است که حتی راه رفتن خویش را درست بلد نیست، در این جا بهترین مثال زنده آن انفجار ۱۰ جوزا سال جاری در چاراهی زنبق است، گرچه این حمله را یکده کشور های جهان نکوهش کردند ولی بازتاپ کسترده نداشت و این نکوهش ها جای پررنگ جهت بهبود اوضاع در افغانستان و تحت فشار قرار دادن پاکستان باز نکرد.

کاملاً هویداست که استخبارات منطقه با استفاده از یک بازی ماهرانه خود توانست تمام ذهنیت های ملی، منطقوی و جهانی را از عمل کرد خود در چاراهی زنبق منحرف سازد و همه بار ملامت را بالای شانه های دولت افغان بگذارد حتی تا سرحد که بسیاری سیاسیون، دولت و شخصیت های کلیدی را که این گروه های استخباراتی مخالف منافع کشور خود می دانند مسبب این انفجار معرفی کند و خواستار خلع وظیفوی یکده کادرهای کلیدی دولتی شوند بعضی ها حتی دولت را سازمانده اصلی ترورها و سقوط شهرها معرفی کند عقب این همه شایعات و بازی استخباراتی یک هدف نهفته است بوجود آوردن بحران اعتماد، شکستن سربازان، سقوط حکومت داکتر غنی و کشاندن افغانستان بار دیگر به گدال جنگ های داخلی تجزیه و بدبختی های غیرقابل پیشبینی.

### آیا هدف حمله اسفناک در مراسم جنازه سالم ایزدیار رهبری جمعیت اسلامی بود؟؟

همانطور که گفته شد سازمان های استخباراتی کشورهای خارجی و بخصوص همسایه ها آنقدر فعال و سریع عمل میکنند که ارگان امنیت ملی افغان هنوز در این رستا راه رفتن را نیاموخته است چه از نظر آموزش مسلکی چه از لحاظ در اختیار داشتن تخنیک مدرن جاسوسی و ضد جاسوسی، در حالیکه آقای عالم ایزدیار معاون مجلس سناکشور گفتند که کاملاً سیری با وزیر داخله در مورد تأمین امنیت محل تدفین صحبت کردند ولی این خبر چطور بیرون درز کرد و بگوش شبکه های تروریستی رسید ارگان امنیت ملی ما توان جواب این سخن را ندارد چون اگر میداشت چنین اتفاق رخ نمیداد در این جا تقصیر از ارگان امنیت ملی میتواند نباشد چون امکانات تخنیکی و پرسونل لازم مسلکی را از نظر کمی و کیفی در اختیار ندارد، این بخاطر آن است که کشورهای کمک کننده و دوستان افغانستان هم در کشور ما مقاصد خود را دارند و نمی خواهند ارگان امنیت ملی افغانستان ظرفیت مسلکی و

د پانوی شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

فنی بالای داشته باشد چون از افشای مقاصد که آنها در کشور ما به پیش میبرند؛ هراس دارند، اگر از این بگذریم، کشتن پسر آقای ایزدیار میتواند یک تصادف باشد و یا هم یک عمل قصدی و پلان شده، در هر دو حالت آقای ایزدیار هرگز حاضر نخواهد شد بعضی واقیعت ها در خصوص دشمندار بودن پسر اش را که شهادت وی را در راهی به اصطلاح عدالت خواهی زیر سؤال ببرد؛ افشا کند، بهر صورت اینکه تروریستان این اطلاع را چطور و از کجا بدست آورده اند مورد بحث من نیست، پرسش این است که آیا واقعاً این گروه میخواستند که اعضا رهبری حزب جمعیت اسلامی به شمول داکتر عبدالله عبدالله را در این مراسم ترور کنند یا نه؟  
در این جا دو احتمال را نمیتوان از نظر انداخت:

● ۱- با احتمال قوی هدف تروریستان کشتن هئیت رهبری جمعیت و داکتر عبدالله بنود، تجارب که از حملات گذشته انتحاری داریم این را نشان میدهد که انتحارکننده ها اگر تصمیم به کشتن رهبری جمعیت اسلامی و یا آقای عبدالله عبدالله را داشتند با داشتن چنین امکانات خوب این موقع طلائی راهرگز از دست نمیداند به یقین که کاملاً موفق هم میشدند، اما کشتن هئیت رهبری حزب جمعیت به نفع تروریستان تمام نمیشد، و این را تروریستان خوب میدانند چون آنوقت کسی را در اختیار خود ندارند که در تشدید اختلافات و تضعیف دولت از آن استفاده موثر کنند نباید فراموش کرد که کشورهای زی نفع در جنگ افغانستان هرگز خواهان بوجود آمدن یک حکومت قوی و یکپارچه در افغانستان نستند.

● ۲- احتمال اینکه قوای امنیتی و محافظین باعث شدن که آنها نتوانند بیشتر به هدف نزدیک شوند یک تخیل واهی است، زیرا تروریستان داخل شده بودند، از طرف هم پلان کردن این حمله به صورت آنی و فوری صورت نگرفته بلکه پلان قبلی برای اجرای چنین حمله وجود داشته کسانی که با چنان سرعت چنین حملات را پلان میکنند نمیتوانند بی نتیجه از آن دست بر دارند مگر اینکه هیچ چاره ای نداشته باشند تا جائیکه معلوم میشود تروریستان کاملاً آرمش در عملیات داشتند.  
پس هدف اساسی از این عملیات ایجاد شکاف در بین حکومت وحدت ملی، بوجود آمدن حس بی اعتمادی و نفاق چیزی دیگری نمیتواند باشد زیرا تروریستان میتوانند اول بم را که دفن کرده منفجر سازند و آنگه انتحاری که از صف اول چندان فاصله نداشت خود را به صف اول رسانیده انتحار کند آنگه کسی نبود که مرده ها را جمع کند، اما آنها چنین نکردند چون که تروریستان میدانند که با حملات انتحاری و ترورها توان ساقط کردن دولت را ندارند، بلکه میتوانند با ایجاد نفاق و تفرقه، بی اعتمادی در سطوح رهبری، بی اعتمادی بین سرباز و افسر بین مادن و آمر بین ملت و دولت به پیروزی های شگرف نایل آیند، با این بازی میتواند بر علاوه ملت کشورهای کمک کننده به افغانستان را دلسرد و خسته ساخته تا دست از کمکها و حمایت دولت بردارند که دستخوش تفرقه و نفاق و بی کفایتی است.

پایان